



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



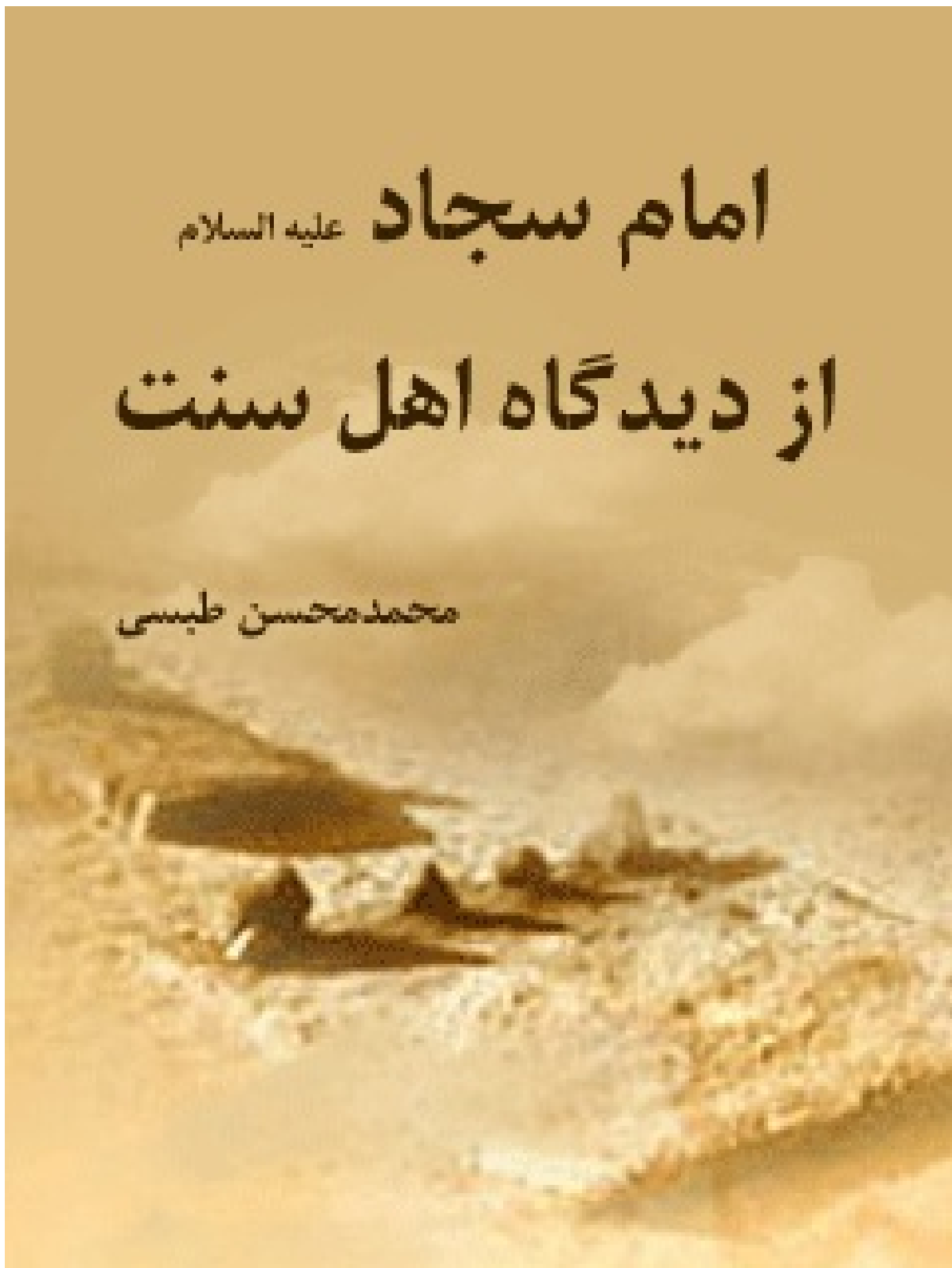
عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

امام سجاد علیه السلام

از دیدگاه اهل سنت

محمد محسن طیبی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام سجاد علیه السلام از دیدگاه اهل سنت

نویسنده:

محمد محسن طبسی

ناشر چاپی:

ماهنامه کوثر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	امام سجاد علیه السلام از دیدگاه اهل سنت
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	در یک نگاه
۶	امام سجاد علیه السلام در کلام بزرگان
۸	گوشه‌ای از فضایل و احوالات
۸	احترام به مادر
۸	عبادت وی
۹	کمک به فقرا
۹	حلم و کرم
۹	به یاد کربلا
۱۰	نتیجه
۱۰	پاورقی
۱۴	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

امام سجاد علیه السلام از دیدگاه اهل سنت

مشخصات کتاب

مؤلف: محمد محسن طبسی

ناشر: ماهنامه کوثر

مقدمه

یکی از وظایفی که بر عهده شیعیان نهاده شده، «شناخت پیشوا و رهبر» می‌باشد. در یک نگاه کلی دو راه برای شناخت امام وجود دارد: از دیدگاه احادیث اهل تشیع و از دیدگاه احادیث اهل تسنن. در این نوشتار سعی شده از دیدگاه اهل سنت گوشه‌ای از شخصیت ممتاز امام زین العابدین علیه‌السلام به پیشگاه شما سروران گرامی تقدیم شود.

در یک نگاه

«ذهبی» دودمان آن حضرت را این گونه می‌نویسد: علی فرزند حسین فرزند علی بن ابی طالب فرزند عبدالمطلب فرزند هاشم فرزند عبد مناف می‌باشد. [۱]. کنیه ایشان ابوالحسن، ابوالحسین، ابو محمد و ابو عبدالله است. [۲]. لقب ایشان زین العابدین، سجاد، هاشمی، علوی، مدنی، قرشی، علی اکبر [۳] و برخی ایشان را علی اصغر [۴] دانسته‌اند. به ایشان «ابن الخیرتین» نیز می‌گویند، به خاطر این که پیغمبر فرمود: خداوند متعال از میان بندگان خود، دو گروه را برگزیده است؛ از میان عرب، قریش و از عجم، فارس را برگزید. [۵] پدر بزرگوار امام سجاد از قریش و مادر ایشان از ایران می‌باشد، لذا به ایشان فرزند دو خیر می‌گویند. «ذوالثنات» لقب دیگری است که به آن حضرت داده‌اند. چرا که ایشان بر اثر عبادت و نماز بسیار، جایگاه‌های سجده‌اش همانند زانوی شتر پینه بسته بود. [۶]. پدر بزرگوارش حسین بن علی و مادرش دختر یزدگرد سوم می‌باشد. در نام مادرش اختلاف است برخی ایشان را سلافه، سلامه، غزاله و شاه زنان نامیده‌اند. [۷]. آن حضرت در سال ۳۸ هجری در مدینه به دنیا آمد و در دوران خلافت ولید بن عبدالملک به شهادت رسیده و بدن مطهرش در قبرستان بقیع کنار قبر عمومی گرامی‌اش امام حسن مجتبی به خاک سپرده شد. [۸] در سال شهادت وی میان مورخان اختلاف است؛ برخی سال شهادت را ۹۲ [۹]، ۹۳ [۱۰]، ۹۴ [۱۱]، ۹۵ [۱۲]، ۹۹ [۱۳] و ۱۰۰ [۱۴] هجری می‌دانند. سالی که امام در آن رحلت نمود را سال «سنه الفقهاء» نامیدند به دلیل این که در این سال بسیاری از فقهای مدینه رحلت کردند. [۱۵]. امام سجاد از لحاظ طبقه رجال حدیث، از تابعین بوده [۱۶] و از طبقه دوم [۱۷] می‌باشد ولی برخی ایشان را از طبقه سوم می‌دانند. [۱۸]. جایگاه علمی و حدیثی ایشان بدین صورت است که تمام صحاح ششگانه (صحیح بخاری، صحیح مسلم، جامع الصحیح ترمذی، سنن ابو داود، سنن نسائی، سنن ابن ماجه) و مسانید اهل تسنن از ایشان حدیث نقل کرده‌اند. بخاری در کتاب خود در ابواب تهجد، نماز جمعه، حج و بعضی از مسائل تاریخی [۱۹] و مسلم نیز در کتاب خود در مباحث صوم، حج و فرائض، فتن، ادب و سایر مسائل تاریخی از امام سجاد علیه‌السلام حدیث نقل کرده‌اند. [۲۰]. ذهبی می‌نویسد: ایشان از بسیاری از بزرگان حدیث نقل کرده است: از پیامبر و امام علی بن ابی طالب به صورت مرسل، از حسن بن علی، حسین بن علی (پدرش)، عبدالله بن عباس، صفیه (ام المؤمنین)، عایشه، ابو رافع و متقابلاً افرادی چون: محمد بن علی (امام باقر)، زید بن علی، ابو حمزه ثمالی، یحیی بن سعید، ابن شهاب زهری، زید بن اسلم و ابوالزناد از وی حدیث نقل کرده‌اند. [۲۱].

امام سجاد علیه السلام در کلام بزرگان

۱. عبدالله بن عباس وقتی که امام را می‌دید، چنین می‌گفت: «مرحباً بالحبيب ابن حبيب». [۲۲]. ۲. سعید بن مسیب (م ۹۳ هـ): «ما رأيت قطّ افضل من عليّ بن الحسين، ما رأيتُهُ ضاحكاً يوماً قطّ». [۲۳] در جای دیگر می‌گوید: «ما رأيتُ اورع منه». [۲۴]. ۳. نافع بن جبیر (م ۹۹ هـ): «كان عليّ بن الحسين رجلاً له فضل في الدين» [۲۵] و در جای دیگر خطاب به امام سجّاد علیه‌السلام می‌گوید: «انت سيّد الناس و افضلهم». [۲۶]. ۴. عمر بن عبدالعزيز (م ۱۰۱ هـ). بعد از رحلت امام، چنین گفت: «ذهب سراج الدنيا و جمال الدنيا و زين العابدين». [۲۷]. ۵. طاووس (م ۱۰۶ هـ): «رجل صالح من اهل بيت الخير»، «رجال صالح من اهل بيت النبوة» و «رجل صالح من اهل بيت طيب». [۲۸]. ۶. ابوفراس فرزدق (م ۱۱۰ هـ). در یکی از ایام، هشام بن عبدالملک (قبل از خلافت وی) به زیارت خانه خدا آمده و قصد تبرک جستن به حجرالاسود را داشت که بر اثر ادحام جمعیت به عقب رانده شد و با همراهان خود به گوشه‌ای از حرم رفته و از دور نظاره گر خیل جمعیت بوده که ناگهان دیدند امام زین‌العابدین علیه‌السلام به طرف حجرالاسود می‌رود و مردم به احترام ایشان راه را باز کرده و امام توانست حجرالاسود را استلام کند. یکی از اطرافیان هشام که از دمشق آمده بود و آن شخص را نمی‌شناخت، از هشام پرسید: این شخص کیست؟ هشام با این که او را می‌شناخت اظهار بی‌اطلاعی کرد. در این هنگام فرزدق گفت: من او را می‌شناسم و در وصف امام چنین سرود: هذا الذي تعرف البطحاء و طأته و البيت يعرفه و الحلّ و الحرم هذا ابن خير عباد الله كلّهم هذا التقى النقي الطاهر العَلَم... [۲۹]. عبدالرحمن جامی (۸۹۸ ق). این جریان را چنین به نظم در آورده: پور عبدالملک بنام هشام در حرم بود با اهالی شام می‌زد اندر طواف کعبه قدم لیکن از ازدحام اهل حرم استلام حجر ندادش دست بهر نظاره گوشه‌ای بنشست ناگهان نخبه نبی و ولی زین عبّاد بن حسین علی در کساء بها و حلّه نور بر حریم حرم فکند عبور هر طرف می‌گذشت بهر طواف در صف خلق می‌فتاد شکاف زد قدم بهر استلام حجر گشت خالی زخلق راه و گذر شامی کرد از هشام سؤال کیست این، با چنین جمال و جلال از جهالت در آن تعلل کرد وز شناسایش تجاهل کرد گفت: شناسمش، ندانم کیست مدنی یا یمانی یا مکی است بوفراس، آن سخنور نادر بود در جمع شامیان حاضر گفت: من می‌شناسمش نیکو زوجه پرسى، به سوی من کن رو آن کس است این که مکه و بطحا زمزم و بوقیسیس و خیف و منا حرم و حلّ و بیت و رکن حطیم ناودان و مقام ابراهیم مروه مسعی صفا حجر عرفات طیبه و کوفه کربلا و فرات هر یک آمد به قدر او عارف بر علو مقام او واقف... [۳۰]. ۷. ابن شهاب زهّری (م ۱۲۳ یا ۱۲۴ هـ). که یکی از شاگردان امام سجّاد علیه‌السلام می‌باشد، در مقاطع گوناگون از آن حضرت به بزرگی یاد می‌کند؛ از جمله: «لم أدرك من اهل البيت افضل من عليّ بن الحسين»، [۳۱] «ما رأيت قرشيّاً افضل من عليّ بن الحسين»، [۳۲] «كان اكثر مجالستي مع عليّ بن الحسين و ما رأيت احداً كان افقه منه»، [۳۳] «كان عليّ بن الحسين من افضل اهل بيته و احسنهم طاعة»، [۳۴] «ما رأيت قرشيّاً افضل منه ولا افقه»، [۳۵] «ما رأيت قرشيّاً اورع منه ولا افضل»، [۳۶] «ما رأيت قطّ افضل من عليّ بن الحسين»، [۳۷] «ما رأيت هاشميّاً اعبد منه»، [۳۸] «ما رأيت هاشميّاً افضل من عليّ بن الحسين» [۳۹] و «عليّ بن الحسين اعظم الناس عليّ منة». [۴۰]. ۸. زید بن اسلم (م ۱۳۶ هـ): «ما رأيت فيهم مثل عليّ بن الحسين». [۴۱]. ۹. ابو حازم مدنی (م ۱۴۰ هـ): «ما رأيت هاشميّاً افضل من عليّ بن الحسين» [۴۲] «ما رأيت هاشميّاً افقه من عليّ بن الحسين». [۴۳]. ۱۰. يحيى بن سعید (م ۱۴۳ هـ). نیز ایشان را یکی از فقهای بنام مدینه می‌دانست [۴۴] و درباره آن حضرت می‌گفت: «افضل هاشميّاً رأيتُه بالمدينه»، [۴۵] «ما رأيت هاشميّاً قطّ افضل منه» [۴۶] و «كان افضل هاشميّاً ادرکته». [۴۷]. ۱۱. مالک بن انس (م ۱۷۹ هـ): «انّ عليّ بن الحسين كان من اهل الفضل» [۴۸] و در جای دیگر می‌گوید: «لم يكن في اهل بيت رسول الله مثله و هو ابن آية». [۴۹]. ۱۲. محمد بن عمر واقدی (م ۲۰۷ هـ): «كان من اورع الناس و اعبدهم و اتقاهم لله عزوجل». [۵۰]. ۱۳. عتبی (۲۲۸ ق). «كان عليّ بن الحسين افضل بني هاشم». [۵۱]. ۱۴. علی بن مدینی (م ۲۳۰ هـ): «یکی از اتقیا، پرهیزکاران و پارسایان، علی بن الحسين است». [۵۲]. ۱۵. محمد بن سعد بصری (م ۲۳۰ هـ): «و كان عليّ بن الحسين ثقة مأموناً كثير الحديث عالياً ربيعاً ورعاً». [۵۳]. ۱۶. ابوبکر بن برقی (م ۲۴۹ هـ): «نسل الحسين كلّ من قبل ابنه عليّ الاصغر و كان افضل اهل زمانه... ما رأيت هاشميّاً افضل منه». [۵۴]. ۱۷. عجلی (م ۲۶۱ هـ): «عليّ بن الحسين مدنيّ تابعي ثقة و كان رجلاً

صالحاً». [۵۵]. ۱۸. ابن قتیبه دینوری (م ۲۷۶ ه.): «و كان خيراً فاضلاً». [۵۶]. ۱۹. ابن واضح یعقوبی (م ۲۸۴ ه.): «كان افضل الناس و اشدّهم عبادةً و كان یسمی زین العابدین و یسمی ایضاً ذا الثّفنات لما كان فی وجهه من اثر السّیجود و كان یصلی فی الیوم و اللیلة الف رکعة و لمّا غسل وجد علی کتفیه جُلبِ کُجلبِ البعیر فقیل لأهله ما هذه الآثار؟ قالوا من حملة للطعام فی اللیل یدور به علی منازل الفقراء». [۵۷]. ۲۰. ابن عبد ربّه اندلسی (م ۳۲۷ ه.): «علی بن الحسین كان من افضل بنی هاشم» [۵۸] و در جای دیگر، امام را به فقاہت و دانش و پرهیزکاری متّصف می‌کند. [۵۹]. ۲۱. ابن حنیان (م ۳۵۴ ه.): «و كان من افاضل بنی هاشم، من فقهاء اهل المدینة و عبادهم، سید العابدین فی ذلك الزّمان» [۶۰] و در جای دیگر می‌گوید: «من فقهاء اهل البیت و افاضل بنی هاشم و عباده المدینة». [۶۱]. ۲۲. ابن شاهین (م ۳۸۵ ه.): «علی بن الحسین، فردی ثقة و مطمئن می‌باشد ولی از وی (در کتب صحاح) حدیث کم نقل شده است». [۶۲]. ۲۳. احمد بن علی بن منجویه اصفهانی (م ۴۲۸ ه.): «كان من افاضل بنی هاشم و فقهاء اهل المدینة و عبادهم». [۶۳]. ۲۴. ابو نعیم اصفهانی (م ۴۳۰ ه.): «زین العابدین و منار القانتین كان عابداً و فیاً و جواداً فحیفاً». [۶۴]. ۲۵. ابن ابی الحدید معتزلی (م ۶۵۶ ه.): «كان الغایة فی العبادة» [۶۵] و در جای دیگر امام را از بزرگان و علمای بنام اهل بیت برمی‌شمارد. [۶۶]. ۲۶. ابو زکریا محیی الدین نووی (م ۶۷۶ ه.): «اجمعوا علی جلالته فی کلّ شیء» [۶۷]. ۲۷. ابن خلکان (م ۶۸۱ ه.): «علی بن الحسین احد الائمة الاثنی عشر و من سادات التابعین... و كان من احسن الناس وجهاً و اطيهم ارجاً». [۶۸]. ۲۸. شهاب الدین نویری (۷۳۳ ق.): «كان رحمه الله ثقةً و رعاً مأموناً کثیر الحدیث من افضل اهل بیته و احسنهم طاعتاً». [۶۹]. ۲۹. شمس الدین ذهبی (م ۷۴۸ ه.): «مناقبه کثیره من صلواته و خشوعه و حجه و فضله» [۷۰] و در جای دیگر می‌گوید: «و كان له جلاله عجیبه و حقّ له والله ذلك فقد كان اهلاً للامامة العظمی لشرفه و سؤده و علمه و تألهه و کمال عقله». [۷۱]. ۳۰. علاء الدین مُغلطای (م ۷۶۲ ه.): «وله من الفضل المتعالم ما لیس لأحد». [۷۲]. ۳۱. یافعی (م ۷۶۸ ه.): «كان من احسن الناس وجهاً و اطيهم ریحاً قلت بل اطيهم و اشرفهم ذاتاً و طبعاً و اصلاً و فرعاً». [۷۳]. ۳۲. ابن کثیر دمشقی (م ۷۷۴ ه.): «و كان علی بن الحسین بالمدينة محترماً معظماً». [۷۴]. ۳۳. شمس الدین محمد بن طولون، مورخ دمشقی (م ۹۵۳ ه.): «و هو من سادات التابعین و من فقهاء و اتقیاء المدینة و فضائل زین العابدین و مناقبه اکثر من أن تحصى». [۷۵]. ۳۴. ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ ه.): «علی بن الحسین ثقةً عابد فقیه فاضل مشهور». [۷۶]. ۳۵. ابن عماد حنبلی (م ۱۰۸۹ ه.): «سمی زین العابدین لفرط عبادته و كان ورده فی الیوم و اللیلة الف رکعة الی أن مات». [۷۷]. ۳۶. خیر الدین زرکلی: «رابع الائمة الاثنی عشر عند الامامیة و احد من كان یضرب بهم المثل فی الحلم و الورع». [۷۸].

گوشه‌ای از فضایل و احوالات

احترام به مادر

ابن خلکان می‌نویسد: با این که مادر وی کنیز بوده، زین العابدین بسیار به ایشان محبت و نیکی می‌کرد تا آنجا که به ایشان گفتند: تو برترین مردمی هستی که به مادرت نیکی می‌کنی ولی چرا با وی سر یک سفره نمی‌نشینی؟ وی در پاسخ گفت: «از آن می‌هراسم که لقمه‌ای را برداشته و مادرم به آن نظر داشته باشد». [۷۹].

عبادت وی

مالک بن انس می‌گوید: علی بن حسین در شبانه روز هزار رکعت نماز می‌خواند تا این که از دنیا رحلت کرد. لذا به ایشان «زین العابدین» می‌گویند. [۸۰]. ابن عبد ربّه می‌نویسد: هنگامی که علی بن حسین آماده نماز می‌شد، لرزه عجیبی وجودش را فرا می‌گرفت. از ایشان در این باره سؤال شد، فرمود: «وای بر شما! آیا می‌دانید که من در برابر چه کسی می‌خواهم بایستم و در برابر

چه کسی می‌خواهم مناجات کنم؟! [۸۱]. ابی نوح انصاری می‌گوید: روزی منزل علی بن حسین در حالی که وی در حال سجده بود، آتش گرفت؛ مردم به وی می‌گفتند: یابن رسول الله! آتش. ولی ایشان سر از سجده برنداشت تا آتش را خاموش کردند. به وی گفتند: چرا خود را نجات ندادی؟ فرمود: «آتش جهنم مرا از این کار بازداشت.» [۸۲]. ابن سعد می‌نویسد: هنگام وضو گرفتن رنگ چهره‌اش زرد می‌شد. علت امر از ایشان سؤال شد، فرمود: «آیا می‌دانید در برابر چه کسی می‌خواهم بایستم؟!» [۸۳]. مالک بن انس می‌گوید: هنگامی که علی بن حسین احرام می‌بست، لبیک اللهم لبیک را قرائت کرد و در همان لحظه، بیهوش شده و از مرکب خود به زمین افتاد. [۸۴]. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: پدرم در شبانه روز هزار رکعت نماز می‌خواند. هنگام وفات گریان بود، به او گفتم: چرا گریه می‌کنید؟ پدرم فرمود: «ای فرزند! در روز قیامت هیچ ملک مقرب و هیچ نبی مرسل باقی نمی‌ماند مگر این که خواست و مشیت خداوند بر آنها حاکم است؛ اگر بخواهد، عذاب می‌کند و اگر بخواهد، می‌بخشد.» [۸۵]. همچنین امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: هنگامی که سخن از مرگ و آخرت به میان می‌آمد، پدرم آنقدر گریه می‌کرد که از گریه ایشان تمامی اطرافیان می‌گریستند. [۸۶]. طاووس می‌گوید: شنیدم علی بن حسین در سجده چنین می‌گفت: عُيَيْدُكَ بَفَنَائِكَ مَسْكِينُكَ بَفَنَائِكَ فَقِيرُ يَارَبِّ سَائِلُكَ بَفَنَائِكَ. طاووس می‌گوید: این جملات را حفظ کردم و هرگاه به مشکلی بر می‌خوردم و این دعا را می‌خواندم، مشکلم حل می‌شد. [۸۷]. زید بن اسلم می‌گوید: یکی از دعاهای علی بن حسین این است که: «خداوندا! مرا به خودم وامگذار و مرا به خلق خود وامگذار که ذلیل می‌کنند.» [۸۸].

کمک به فقرا

ابو حمزه ثمالی می‌گوید: علی بن حسین شبانه مقداری غذا بر دوش خود گذاشته و در تاریکی شب به صورت مخفیانه به فقرا می‌رساند و می‌فرمود: «صدقه‌ای که در تاریکی شب داده شود، غضب خداوند را خاموش می‌کند.» [۸۹]. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: پدرم دو مرتبه اموالش را در راه خدا داد و می‌فرمود: «خداوند، مؤمن گنه کار پشیمان را دوست دارد.» [۹۰]. محمد بن اسحاق می‌گوید: مردم مدینه زندگی می‌کردند و نمی‌دانستند معاش آنها از کجا تأمین می‌شود؛ اما با رحلت علی بن الحسین غذای شبانه آنان قطع شد. [۹۱]. شیبیه بن نعمه می‌گوید: بعد از وفات علی بن حسین فهمیده شد ۱۰۰ خانوار را در مدینه اداره می‌کرد. [۹۲] با این حال، امام سجاد علیه‌السلام یک درهم نیز از بیت المال برای خود استفاده نمی‌کرد. [۹۳]. عمر بن ثابت می‌گوید: هنگامی که علی بن حسین رحلت کرد، روی کمر آن حضرت پینه‌های زیادی بر اثر حمل غذا برای فقرا دیده شد. [۹۴].

حلم و کرم

عبدالرزاق می‌گوید: کنیز علی بن حسین در هنگام شستن دست امام، ناگهان ظرف آب از دستش به صورت حضرت افتاد. امام با حالت ناراحتی به کنیز نگاه کرد، کنیز گفت: خداوند متعال می‌فرماید: «والكاظمين الغيظ» امام فرمود: خشم خود را فرو بردم. کنیز در ادامه گفت: «والعافين عن الناس» امام فرمود: خداوند تو را ببخشد. کنیز در ادامه گفت: «والله يحب المحسنين» امام فرمود: برو تو آزاد هستی. [۹۵].

به یاد کربلا

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: از پدرم درباره بسیار گریستن وی سؤال شد، فرمود: «مرا ملامت نکنید، یعقوب علیه‌السلام یکی از فرزندان از او دور شد، آنقدر در فراق وی (یوسف) گریست تا چشمانش سفید شد در حالی که نمی‌دانست زنده است یا مرده؛ اما من دیدم چهارده نفر از اهل بیت ما را در ظهر عاشورا ذبح می‌کردند، آیا ناراحتی و اندوه آنان از قلب من بیرون خواهد رفت؟!»

[۹۶].

نتیجه

آنچه که از میان اقوال و نظرات گوناگون اهل تسنن پیرامون امام سجاد علیه‌السلام مطرح شده، ایشان یکی از شخصیت‌های بی‌نظیر و برجسته فقهی، اخلاقی در دوران خویش بوده که این نکته در کلام شمس‌الدین ذهبی کاملاً مشهود است. وی امام را به خاطر جایگاه والای علمی، اخلاقی، تدبیر و دوراندیشی، مستحقّ امامت و زعامت امر مسلمین می‌داند: «و كان له جلاله عجيبة و حق له والله ذلك فقد كان اهلاً للامامة العظمى لشرفه و سؤدده و علمه و تألهه و كمال عقله.» [۹۷].

باورقی

- [۱] سیر اعلام النبلاء، شمس‌الدین ذهبی، ج ۴، ص ۳۸۶.
- [۲] همان؛ موسوعه رجال الكتب التسعة، ج ۳، ص ۶۴؛ الجرح و التعديل، ابو حاتم رازی، ج ۶، ص ۱۷۸؛ الكنى و الاسماء، دولابی، ج ۱، ص ۱۴۷؛ طبقات الحفاظ، سیوطی، ص ۳۷؛ المقتنی فی سرد الكنى، شمس‌الدین ذهبی، ج ۱، ص ۱۹۹؛ تهذیب الكمال، مزّی، ج ۱۳، ص ۲۳۶.
- [۳] سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۸۶؛ العبر، شمس‌الدین ذهبی، ج ۱، ص ۸۳؛ تهذیب الكمال، ج ۱۳، ص ۲۳۶؛ النجوم الزاهرة، ابن تغری، ج ۱، ص ۲۲۹؛ وفيات الاعیان، ابن خَلْكَان، ج ۳، ص ۲۶۶؛ تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، ج ۷، ص ۲۳۱؛ موسوعه رجال الكتب التسعة، ج ۳، ص ۶۴.
- [۴] الطبقات الكبرى، ابن سعد، ج ۵، ص ۲۲۲.
- [۵] قال رسول الله: «لله تعالى من عباده خيرتان فخيرته من العرب قريش و من العجم فارس.» (وفيات الاعیان، ج ۳، ص ۲۶۷؛ اكمال تهذیب الكمال مُغَلَطَاي، ج ۹، ص ۳۰۴).
- [۶] وفيات الاعیان، ج ۳، ص ۲۷۴؛ صبحی الاعشى، قلقشندی، ج ۱، ص ۵۱۶؛ مروج الذهب، مسعودی، ج ۳، ص ۱۶۰؛ ثمارالقلوب، ابو منصور ثعالبی، ص ۲۲۶؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحديد، ج ۱۰، ص ۷۹.
- [۷] سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۸۶؛ وفيات الاعیان، ج ۳، ص ۲۶۶؛ النجوم الزاهرة، ج ۱، ص ۲۹۳؛ تهذیب الكمال، ج ۱۳، ص ۲۳۶.
- [۸] سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۸۶ و ۳۹۱؛ تهذیب الكمال، ج ۱۳، ص ۲۳۸؛ طبقات الحفاظ، ص ۳۷؛ وفيات الاعیان، ج ۳، ص ۲۶۹؛ مروج الذهب، ج ۳، ص ۱۶۹؛ البداية و النّهاية، ابن كثير دمشقی، ج ۹، ص ۱۱۹.
- [۹] طبقات الحفاظ، ص ۳۷؛ تاریخ خلیفه بن خیاط، ص ۱۹۳؛ الوفيات، ابن قنفذ، ص ۱۰۰.]
- [۱۰] موسوعه رجال الكتب التسعة، ج ۳، ص ۶۴؛ طبقات الحفاظ، ص ۳۷؛ سیر اعلام انبلاء، ج ۴، ص ۳۹۲.
- [۱۱] الكاشف، ج ۱، ص ۲۲۹؛ دَوْلُ الاسلام، شمس‌الدین ذهبی، ج ۲، ص ۲۳۱؛ العبر، ج ۱، ص ۱۸۳؛ وفيات الاعیان، ج ۳، ص ۲۶۹.
- [۱۲] مروج الذهب، ج ۳، ص ۱۶۹؛ النجوم الزاهرة، ج ۱، ص ۲۲۹؛ البداية و النّهاية، ج ۹، ص ۱۰۳.
- [۱۳] تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۰۳.
- [۱۴] موسوعه رجال الكتب التسعة، ج ۳، ص ۶۴؛ طبقات الحفاظ، ص ۳۷.
- [۱۵] تاریخ الامم و الملوك، ابن جریر طبری، ج ۴، ص ۲۵؛ البداية و النّهاية، ج ۶، ص ۱۰۳؛ الجامع فی العلل و معرفة الرجال،

- عبدالله بن احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۲۷۲؛ تهذیب الکمال، ج ۱۳، ص ۲۵۰؛ اکمال تهذیب الکمال، ج ۹، ص ۲۹۶.
- [۱۶] ذکر اسماء التابعین، دارالقطنی، ج ۱، ص ۲۴۸. «تابعی» به کسی گفته می‌شود که پیامبر را ندیده، ولی اصحاب پیامبر را دیده است.
- [۱۷] الطبقات، خلیفه بن خیاط، ص ۴۱۷؛ المعین فی طبقات المحدثین، شمس الدین ذهبی، ص ۴۱؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۸۶؛ تاریخ الاسلام، ج ۶، ص ۴۳۱؛ النجوم الزاهرة، ج ۱، ص ۲۹۳؛ طبقات الحفاظ، ص ۳۷؛ الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۲۱۱.
- [۱۸] موسوعه رجال الكتب التسعة، ج ۳، ص ۶۴.
- [۱۹] رجال صحیح بخاری، ابونصر بخاری کلاباذی، ج ۲، ص ۵۲۷.
- [۲۰] رجال صحیح مسلم، ابن منجویه اصفهانی، ج ۲، ص ۵۳.
- [۲۱] سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۸۶؛ تهذیب الکمال، ج ۱۳، ص ۲۳۷.
- [۲۲] تاریخ دمشق، ج ۴۴، ص ۱۵۶؛ البداية و النهایه، ج ۹، ص ۱۱۱؛ الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۲۱۳؛ فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۳۰.
- [۲۳] تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۰۳.
- [۲۴] حلیه الاولیاء، ج ۳، ص ۱۴۱؛ تاریخ دمشق، ج ۴۴، ص ۱۶۱؛ شذرات الذهب، ج ۱، ص ۳۷۵؛ تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۷۵؛ طبقات الحفاظ، ص ۳۷؛ العبر، ج ۱، ص ۸۳؛ تهذیب الکمال، ج ۱۳، ص ۲۴۰؛ البداية و النهایه، ج ۹، ص ۱۲۱؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۶۹؛ تاریخ الاسلام، ج ۶، ص ۴۳۴؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۹۱.
- [۲۵] تاریخ دمشق، ج ۴۴، ص ۱۵۴؛ المعرفه و التاریخ، ج ۱، ص ۳۰۰؛ تهذیب الکمال، ج ۱۳، ص ۲۳۸؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۸۸؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۶۹.
- [۲۶] تاریخ دمشق، ج ۴۴، ص ۱۵۶؛ حلیه الاولیاء، ج ۳، ص ۱۳۷؛ البداية و النهایه، ج ۹، ص ۱۱۱؛ صفه الصفوة، ج ۱، ص ۳۹۲؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۸۸؛ التذکره الحمدونیة، ابن حمدون، ج ۱، ص ۱۱۰.
- [۲۷] در ادامه، این جمله آمده است: به عمر بن عبدالعزیز گفته شد: فرزندش محمد بن علی زنده است. وی برای امتحان و آزمایش امام باقر(ع) نامه‌ای به او نوشت که امام در پاسخ، او را موعظه و بیم داد. ر.ک: تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۰۳.
- [۲۸] تاریخ دمشق، ج ۴۴، ص ۱۶۴.
- [۲۹] همان، ص ۱۸۰؛ الاغانی، ابوالفرج اصفهانی، ج ۱۵، ص ۳۲۷؛ شذرات الذهب، ج ۱، ص ۳۷۵؛ وفيات الاعیان، ج ۶، ص ۹۵؛ صفه الصفوة، ج ۱، ص ۳۹۲؛ مرآة الجنان، یافعی، ج ۱، ص ۱۸۹؛ البداية و النهایه، ج ۹، ص ۱۱۳؛ تهذیب الکمال، ج ۱۳، ص ۲۴۴؛ تاریخ الاسلام، ج ۶، ص ۴۳۸.
- [۳۰] مثنوی هفت اورنگ، عبدالرحمن بن احمد جامی، ص ۱۴۲ - ۱۴۵.
- [۳۱] تاریخ دمشق، ج ۴۴، ص ۱۵۷؛ الجرح و التعذیل، ج ۶، ص ۱۷۹؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۸۹.
- [۳۲] تاریخ دمشق، ج ۴۴، ص ۱۵۲ و ۱۵۶؛ المعرفه و التاریخ، فسوی، ج ۱، ص ۳۰۰؛ صفه الصفوة، ج ۱، ص ۳۹۲؛ الکاشف، ج ۲، ص ۳۷؛ تاریخ الاسلام، ج ۶، ص ۴۳۲؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۸۷؛ تحریر تقریب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، ج ۳، ص ۳۹؛ تهذیب الکمال، ج ۱۳، ص ۲۳۸؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۶۹.
- [۳۳] تاریخ دمشق، ج ۴۴، ص ۱۵۷؛ تاریخ الخمیس، دیار بکری، ج ۲، ص ۳۱۳؛ تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۷۵؛ شذرات الذهب، ج ۱، ص ۳۷۵؛ المعرفه و التاریخ، ج ۱، ص ۳۰۰؛ البداية و النهایه، ج ۹، ص ۱۱۱؛ العبر، ج ۱، ص ۸۳؛ صفه الصفوة، ج ۱، ص ۳۹۳؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۶۹؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۸۹؛ تهذیب الکمال، ج ۱۳، ص ۲۳۹.

- [۳۴] تاریخ دمشق، ج ۴۴، ص ۱۵۷؛ طبقات الكبرى، ج ۵، ص ۲۱۵؛ تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۷۵؛ تهذیب الکمال، ج ۱۳، ص ۲۳۹؛ تاریخ الاسلام، ج ۶، ص ۴۳۲؛ البداية و النهاية، ج ۹، ص ۱۱۱؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۸۹.
- [۳۵] طبقات الحفاظ، ص ۳۷.
- [۳۶] البداية و النهاية، ج ۹، ص ۱۱۰.
- [۳۷] تاریخ دمشق، ج ۴۴، ص ۱۶۰.
- [۳۸] اكمال التهذیب الکمال، ج ۹، ص ۲۹۸.
- [۳۹] تاریخ دمشق، ج ۴۴، ص ۱۵۷؛ المعرفة و التاريخ، ج ۱، ص ۳۰۰.
- [۴۰] البداية و النهاية، ج ۹، ص ۱۱۳.
- [۴۱] تاریخ دمشق، ج ۴۴، ص ۱۵۸؛ تاریخ الاسلام، ج ۶، ص ۴۳۳؛ تاریخ الكبير، ج ۶، ص ۲۶۷؛ المعرفة و التاريخ، ج ۱، ص ۳۰۰؛ تهذیب الکمال، ج ۱۳، ص ۲۳۹.
- [۴۲] تاریخ الاسلام، ج ۶، ص ۴۳۳؛ حلیة الاولیاء، ج ۳، ص ۱۴۱؛ تاریخ دمشق، ج ۴۴، ص ۱۵۹؛ تهذیب الکمال، ج ۱۳، ص ۲۳۹؛ شذرات الذهب، ج ۱، ص ۳۷۵. در بعضی از نسخه‌ها ابو حاتم اعرج ثبت شده است. ر.ک العبر، ج ۱، ص ۱۸۳.
- [۴۳] تاریخ دمشق، ج ۴۴، ص ۱۷۰؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۹۴.
- [۴۴] اكمال تهذیب الکمال، ج ۹، ص ۲۹۸.
- [۴۵] الجرح و التعديل، ج ۶، ص ۱۷۸؛ تاریخ الكبير، ج ۶، ص ۲۶۶ و ۲۶۷.
- [۴۶] موسوعة اقوال الامام احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۳۵.
- [۴۷] تاریخ دمشق، ج ۴۴، ص ۱۵۹؛ طبقات الكبرى، ج ۵، ص ۲۱۴؛ حلیة الاولیاء، ج ۳، ص ۱۳۶؛ البداية و النهاية، ج ۹، ص ۱۱۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۶۹؛ تهذیب الکمال، ج ۱۳، ص ۲۳۹؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۸۸.
- [۴۸] سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۸۸؛ تاریخ دمشق، ج ۴۴، ص ۱۵۴؛ الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۲۱۵؛ المعرفة و التاريخ، ج ۱، ص ۳۰۰؛ تاریخ ابوزرعہ دمشقی، ج ۱، ص ۴۰۶؛ تهذیب الکمال، ج ۱۳، ص ۲۳۸.
- [۴۹] تاریخ دمشق، ج ۴۴، ص ۱۵۹؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۸۹؛ البداية و النهاية، ج ۹، ص ۱۱۰؛ تهذیب الکمال، ج ۱۳، ص ۲۳۹؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۶۹؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۸۹.
- [۵۰] البداية و النهاية، ج ۹، ص ۱۱۰.
- [۵۱] اكمال تهذیب الکمال، ج ۹، ص ۳۰۳.
- [۵۲] همان، ص ۳۰۴.
- [۵۳] الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۲۲۲.
- [۵۴] تاریخ دمشق، ج ۴۴، ص ۱۶۰؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۰۹؛ تهذیب الکمال، ج ۱۳، ص ۲۴۰.
- [۵۵] تاریخ الثقات، عجلی، ص ۳۴۴؛ معرفة الثقات عجلی، ج ۲، ص ۱۵۳؛ تاریخ دمشق، ج ۴۴، ص ۱۶۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۶۹؛ تهذیب الکمال، ج ۱۳، ص ۲۴۰.
- [۵۶] المعارف، ص ۲۱۵.
- [۵۷] تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۰۳.
- [۵۸] عقد الفريد، ج ۳، ص ۱۵۳.
- [۵۹] همان، ج ۶، ص ۱۲۸.

- [۶۰] کتاب الثقات، ج ۵، ص ۱۵۹ و ۱۶۰.
- [۶۱] مشاهیر علماء الامصار، ابن حبان، ص ۱۰۴.
- [۶۲] تاریخ اسماء الثقات، ابن شاهین، ص ۲۰۶.
- [۶۳] رجال صحیح مسلم، ج ۲، ص ۵۳.
- [۶۴] حلیة الاولیاء، ج ۳، ص ۱۳۳.
- [۶۵] شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۷.
- [۶۶] همان، ج ۱۲، ص ۲۵۴.
- [۶۷] تهذیب الاسماء و اللغات، نووی، ج ۱، ص ۳۱۴.
- [۶۸] وفيات الاعیان، ج ۳، ص ۹۵ و ۲۶۶.
- [۶۹] نهاية الارب، نویری، ج ۲۱، ص ۳۲۴.
- [۷۰] العبر، ج ۱، ص ۸۳.
- [۷۱] سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۹۸.
- [۷۲] اکمال تهذیب الکمال، ج ۹، ص ۲۹۸.
- [۷۳] مرآة الجنان، ج ۱، ص ۱۸۸.
- [۷۴] البداية و النهاية، ج ۹، ص ۱۰۹.
- [۷۵] الائمة الاثنی عشر، ابن طولون، ص ۷۵-۷۸.
- [۷۶] تحریر تقریب التهذیب، ج ۳، ص ۳۹.
- [۷۷] شذرات الذهب، ج ۱، ص ۳۷۴.
- [۷۸] الاعلام، ج ۴، ص ۲۷۷.
- [۷۹] وفيات الاعیان، ج ۳، ص ۲۶۹؛ شذرات الذهب، ج ۱، ص ۳۷۵؛ الائمة الاثنی عشر، ص ۷۷؛ النجوم الزاهرة، ج ۶، ص ۲۲۹.
- [۸۰] العبر، ج ۱، ص ۸۳.
- [۸۱] عقد الفرید، ج ۳، ص ۱۶۹؛ تاریخ دمشق، ج ۴۴، ص ۱۶۲؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۹۲.
- [۸۲] سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۹۱؛ تاریخ دمشق، ج ۴۴، ص ۱۶۲.
- [۸۳] الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۲۱۶؛ تاریخ دمشق، ج ۴۴، ص ۱۶۲؛ حلیة الاولیاء، ج ۳، ص ۱۳۳.
- [۸۴] تاریخ دمشق، ج ۴۴، ص ۱۶۳؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۹۲.
- [۸۵] تاریخ دمشق، ج ۴۴، ص ۱۶۳.
- [۸۶] تاریخ دمشق، ج ۴۴، ص ۱۶۳.
- [۸۷] همان، ص ۱۶۴؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۹۳.
- [۸۸] اللهم لاتکلینی الی نفسی فاعجز عنها، فلاتکلینی الی المخلوقین فیضیعونی. (تاریخ دمشق، ج ۴۴، ص ۱۶۵؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۹۶).
- [۸۹] تاریخ دمشق، ج ۴۴، ص ۱۶۶؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۹۳.
- [۹۰] تاریخ دمشق، ج ۴۴، ص ۱۶۶.
- [۹۱] همان؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۹۳.

- [۹۲] الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۲۲۲؛ حلیه الاولیاء، ج ۳، ص ۱۳۶، تاریخ دمشق، ج ۴۴، ص ۱۶۷.
- [۹۳] تاریخ دمشق، ج ۴۴، ص ۱۶۱؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۹۱.
- [۹۴] تاریخ دمشق، ج ۴۴، ص ۱۶۷؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۹۳؛ حلیه الاولیاء، ج ۳، ص ۱۳۶.
- [۹۵] تاریخ دمشق، ج ۴۴، ص ۱۶۹؛ آل عمران / ۱۳۴.
- [۹۶] تاریخ دمشق، ج ۴۴، ص ۱۶۸.
- [۹۷] سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۹۸.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰ IR۹۰-

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند

آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

